

وحشت

ترامپ در کاخ سفید

باب وودوارد

ترجمه
دکتر سی سلاسی

ویراستار
مهدی سجودی مقدم



وودوارد، باب، ۱۹۹۳ - م: Woodward, Bob

وحشت: تراکم در کاخ سفید/باب وودوارد: ترجمه علی سلامی؛ ویراستار مهدی سجودی مقدم، فلوریا ورنوس.

تهران: مهر اندیش، ۱۳۹۷.

ص. ۵۴۲

۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۵-۶۷-۸

Fear: Trump in the White House, 2018

سلامی، علی، ۱۳۴۶ - مترجم

۹۷۳/۹۱۳۰۹۲ ۵۴۶۷۶۴۹

۹۱۷/۹۱۳۰۹۲



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «!» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن در سبک متنی فارسی را نیز برطرف می‌کند.



وحشت

تراب کاخ سفید

باب وودوارد

ترجمه دکتر علی سلامی

ویراستار: مهدی سجودی مقدم

صفحه آرایی: مهراندیش • چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷

چاپ: قشقای • ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۹۵۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۵-۶۷-۸



هرگونه خلاصه نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان ابوریحان، نرسیده به خیابان جمهوری، کوچه رازی، بن بست مینا، شماره ۴.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵ - ۰۹۱۹۷۲۸۱۱۶۹ - ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

@mehrandishbooks www.ketab.ir/mehrandishbooks



فهرست

۹	یادداشت شخصی نویسنده
۱۱	یادداشتی برای خواننده
۱۳	پیشگفتار
۲۱	فصل ۱
۳۱	فصل ۲
۴۷	فصل ۳
۵۹	فصل ۴
۷۵	فصل ۵
۸۹	فصل ۶
۹۷	فصل ۷
۱۰۷	فصل ۸
۲۱	فصل ۹
۱۱۱	فصل ۱۰
۱۳۹	فصل ۱۱
۱۴۵	فصل ۱۲
۱۵۵	فصل ۱۳
۱۶۷	فصل ۱۴
۱۷۷	فصل ۱۵
۱۹۵	فصل ۱۶
۲۰۱	فصل ۱۷
۲۱۵	فصل ۱۸

۲۲۹	فصل ۱۹
۲۳۷	فصل ۲۰
۲۴۳	فصل ۲۱
۲۵۵	فصل ۲۲
۲۷۱	فصل ۲۳
۲۸۱	فصل ۲۴
۲۹۱	فصل ۲۵
۲۹۹	فصل ۲۶
۳۰۹	فصل ۲۷
۳۲۱	فصل ۲۸
۳۳۵	فصل ۲۹
۳۴۵	فصل ۳۰
۳۵۵	فصل ۳۱
۳۶۵	فصل ۳۲
۳۷۵	فصل ۳۳
۳۸۷	فصل ۳۴
۳۹۹	فصل ۳۵
۴۰۹	فصل ۳۶
۴۱۷	فصل ۳۷
۴۲۵	فصل ۳۸
۴۳۳	فصل ۳۹
۴۴۳	فصل ۴۰
۴۵۷	فصل ۴۱
۴۶۹	فصل ۴۲
۴۹۹	تصاویر

«قدرتِ واقعی - حتی نمی‌خواهم از این کلمه استفاده کنم - وحشت است.»
نامزد ریاست جمهوری دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای با باب وودوارد و رابرت
کاستا در ۱ مارس ۲۰۱۶، در اولد پست آفیس بیلدینگ، برج بین‌المللی ترامپ،
واشنگتن دی سی

www.ketab.ir

پیشگفتار

در اوایل سپتامبر ۲۰۰۸، دویستمین ماه ریاست جمهوری ترامپ، گری کوهن^۱، رئیس سابق گلدمن ساکس^۲ و مشاور ارشد اقتصادی رئیس جمهور در کاخ سفید، محتاطانه به سمت من رزولوت^۳ در دفتر بیضی حرکت کرد.

کوهن با یک متر و نود و دو سانتی متر قد، با کله‌ای طاس و شخصیتی متکبر، و با اعتماد به نفس زیاد، مدت بیست و هفت سال در شرکت گلدمن کار کرده بود و میلیارد‌ها دلار پول برای مشتریان و صدها میلیون دلار برای خودش به جیب زده بود. کوهن این امتیاز را به خود داده بود که بدون هماهنگی وارد دفتر بیضی ترامپ شود و رئیس جمهور نیز این امتیاز را پذیرفته رد.

روی میز^۴ پیش‌نویس نامه‌ای یک صفحه‌ای از طرف رئیس جمهور قرار داشت که خطاب به رئیس جمهور کره جنوبی نوشته شده بود و در آن به پیمان تجارت آزاد بین آمریکا و کره جنوبی موسوم به کوروس^۴ پایان داده بود. کوهن وحشت زده شد. ماه‌ها بود که ترامپ تهدید کرده بود از این پیمان خارج می‌شود؛ یعنی یکی از ارکان روابط اقتصادی، پیمانی نظامی و امنیتی از همه، مجموعه عملیات‌ها و قابلیت‌های اطلاعاتی فوق سری.

بر اساس این معاهده که به دهه پنجاه باز می‌گشت، ایالات متحده ۲۸/۵۰۰

1. Gary Cohn.

2. Goldman Sachs.

3. Resolute Desk.

4. Korea Free Trade Agreement, KORUS.

نیروی آمریکایی را در کره جنوبی مستقر کرد و برنامه‌های دسترسی ویژه، حساس و طبقه‌بندی شده را اجرا می‌کرد؛ این عملیات 'قابلیت‌های نظامی و اطلاعاتی' رمزدار و فوق سری و پیشرفته را برای آمریکا فراهم می‌کرد. موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای کره شمالی حالا توانایی حمل یک سلاح اتمی را داشت، حتی شاید تا خاک آمریکا. یک موشک از سوی کره شمالی ۳۸ دقیقه طول می‌کشید تا به لس‌آنجلس برسد.

این برنامه‌ها ایالات متحده را قادر می‌ساخت پرتاب یک موشک بالستیک قاره‌پیمای را از کره شمالی در عرض هفت ثانیه شناسایی کند. همین قابلیت شناسایی در آن سکا پانزده دقیقه طول می‌کشید که اختلاف زمانی شگفت‌آوری محسوس می‌شد.

توانایی برای شناسایی پرتاب موشک در عرض هفت ثانیه به ارتش ایالات متحده فرصت می‌داد تا موشک پرتاب شده از سوی کره شمالی را مهار کند. شاید این مهم‌ترین و مستقیم‌ترین عملیات در دولت ایالات متحده آمریکا بود. حضور آمریکا در کره جنوبی نشان‌دهنده ماهیت امنیت ملی است.

خروج از پیمان تجاری کوروس که از نظر کره جنوبی برای اقتصاد این کشور جنبه حیاتی داشت، می‌توانست، افشای تمام این رابطه منجر شود. کوهن نمی‌توانست باور کند که رئیس‌جمهور ترامپ حاضر شود سرمایه‌های حیاتی اطلاعاتی را که برای امنیت ملی آمریکا ضروری بود، در دست بدهد.

تمام این مسئله از خشم ترامپ ناشی می‌شد که ایالات متحده در تجارت سالانه با کره جنوبی ۱۸ میلیارد دلار کسری بودجه داشت و سالانه سه‌ونیم میلیارد خرج می‌کرد تا نیروهای آمریکا را در آنجا حفظ کند.

علی‌رغم گزارش‌های روزانه در مورد هرج و مرج و آشوب در کاخ سفید مردم نمی‌دانستند که وضعیت داخلی واقعاً تا چه حد اسف‌بار است. ترامپ دائماً تغییر موضع می‌داد، به ندرت ثبات داشت و دمد می‌مزاج بود. گاهی 'اوقات تلخی'

می‌کرد، چیزهای کوچک و بزرگ^۱ او را به خشم می‌آورد و اغلب دربارهٔ پیمان تجاری کوروس می‌گفت: «ما امروز از این پیمان خارج می‌شیم.»

اما حالا این نامه به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷ نوشته شده بود و به صورت بالقوه می‌توانست برای امنیت ملی فاجعه‌بار باشد. کوهن نگران بود که اگر ترامپ این نامه را ببیند، آن را امضا کند.

کوهن پیش‌نویس نامه را از روی میز لرزوت برداشت. آن را در پوشه‌ای آبی‌رنگ گذاشت که روی آن نوشته شده بود «بایگانی شود».

کوهن به یکی از همکارانش گفت: «من این نامه را از روی میزش دزدیدم. نمی‌خواستم آن را ببینم. هرگز نباید این سند را ببیند. باید از کشور صیانت کنیم.» در هرج و مرج و بی‌نظمی کاخ سفید، و در ذهن ترامپ، رئیس‌جمهور هرگز متوجه گم‌شدن نامه نشد.

معمولاً، راب پورتر^۲ دبیر ستاد مسئول کارهای اداری ریاست جمهوری، مسئول نوشتن این‌گونه نامه‌ها به رئیس‌جمهور کره جنوبی بود. اما این دفعه، به طرز نگران‌کننده‌ای، پیش‌نویس این نامه از طریق مجاری ناشناخته‌ای به دست ترامپ رسیده بود. دبیر ستاد یکی از نقش‌های بی‌اهمیت ولی حیاتی در هر کاخ سفید محسوب می‌شود. ماه‌ها بود که پورتر ترامپ را در جریان سیاست‌های تصمیم‌گیری و اسناد ریاست جمهوری از جمله حساس‌ترین مجریه‌های امنیت ملی برای فعالیت‌های مخفی سازمان سیا و ارتش گذاشته بود.

پورتر صد و نود و پنج سانتی‌متر قد داشت، با اندامی ترکه‌ای، چال‌نه و یک مسیحی مورمون بود و یکی از آن آدم‌های در سایه: مردی اداری که جذابیت بود و به دانشگاه هاروارد رفته بود و در دانشکده حقوق درس خوانده بود و از بورسیه رودز^۳ برای ادامه تحصیل در دانشگاه آکسفورد استفاده کرده بود. پورتر بعداً متوجه شد که چند نسخه از پیش‌نویس نامه موجود است و او

1. Rob Porter.

2. Rhodes Scholar.

یا کوهن تمام تلاش خود را کرده بودند تا نسخه‌ای روی میز رئیس‌جمهور باقی نماند.

کوهن و پورتر به اتفاق تلاش کردند تا جلوی خطرناک‌ترین و آنی‌ترین فرمان‌های ترامپ را بگیرند. این سند و اسنادی مثل آن یک‌باره ناپدید می‌شدند. وقتی پیش‌نویسی روی میز ترامپ قرار داشت و او می‌خواست آن را اصلاح کند، کوهن گاهی آن را از جلوی چشمش کش می‌رفت و رئیس‌جمهور آن را فراموش می‌کرد. اما اگر سندی روی میز کارش می‌ماند، ممکن بود آن را امضا کند. کوهن محرمانه گفت: «این رونه به خاطر کشور، که برای نجات خودش انجام دادیم.» این دست‌کمی از یک کودتای اداری نداشت، یعنی تضعیف پایه‌ها و اساس تصمیمات رئیس‌جمهور ایالات متحده و اختیاراتی که قانون اساسی در اختیار او می‌گذاشت.

علاوه بر هنگ برن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ملاقات و انجام مکاتبات برای رئیس‌جمهور، پورتر به یکی از همکاران گفت: «یک‌سوم کارم اینه که تلاش کنم نسبت به برنامه‌ها افکار واقعاً خطرناک او و اکشن نشان دهم و اینکه تلاش کنم دلایلی برایش بیآورم و او بقبولانم که شاید این‌ها تصمیمات خوبی نباشند.»

یکی دیگر از راهکارها این بود که، بدونیت‌های قانونی را به تعویق و تأخیر اندازد یا آن‌ها را گوشزد کند. پورتر و کیا گفت: «اما کند کردن مسائل یا طرح نکردن مسائل برای او یا اینکه به او بگویم، البته با حق و نه به‌عنوان یک بهانه - که این مسئله را باید بررسی کرد یا اینکه ما نیاز داریم تحقیق بیشتری روی این مسئله انجام دهیم یا فاقد تضمین حقوقی هستیم، ده برابر بیش از برداشتن اسناد از روی میز کارش زحمت داشت. این طور به نظر می‌رسید که ما پیوسته بر لبه پرتگاه گام برمی‌داشتیم.»

روزها و هفته‌هایی بود که به نظر می‌رسید کارها تا چند قدمی لبه پرتگاه تحت کنترل‌اند. «در مواقع دیگر از پرتگاه سقوط می‌کردیم و اقدامی ممکن بود

انجام شود. انگار همیشه آنجا درست بر لبه پرتگاه حرکت می‌کردی.»
اگرچه ترامپ هرگز از نامه گمشده ۵ سپتامبر چیزی بر زبان نیاورد، اما فراموش هم نکرد که می‌خواست با پیمان تجاری چه‌کار کند. پورتر به یکی از همکاران گفت: «موضوع آن نامه چندین بار تکرار شد.»

بعداً در جلسه‌ای، در دفتر بیضی، پیمان کره جنوبی مورد بحث شدیدی قرار گرفت. ترامپ گفت: «برام مهم نیست. از این بگومگوها خسته شده‌ام! دیگه نمی‌خوام چیزی در موردش بشنوم. از کوروس خارج می‌شیم.» بعد نامه جدیدی برای ارسال دیکته کرد.

جرد کوشنر^۱، دادرس جمهور، سخنان ترامپ را جدی گرفت. جرد، ۳۶ ساله، مشاور ارشد کاخ سفید بود و رفتاری متکبرانه و اشراف‌مآبانه داشت. او در سال ۲۰۰۹ با ایوانکا^۲ دختر ترامپ ازدواج کرده بود.

چون جرد بیش از همه نزدیک رئیس جمهور نشسته بود، شروع به نوشتن سخنان ترامپ کرد، دیکته می‌نوشت.
ترامپ با لحنی آمرانه به او گفت: «نامه را تمامش کن و بیاورش پیش من تا امضا کنم.»

جرد داشت دیکته ترامپ را به‌صورت نامه‌ای جدید در نوشت که پورتر موضوع را متوجه شد.

به او گفت: «پیش‌نویس نامه را برای من بفرست. اگر هزاره این کار را انجام بدیم، نمی‌تونیم سرسری آن را انجام بدیم. باید آن را به شیوه‌ای بنویسیم که ما را شرمند نکند.»

کوشنر نسخه‌ای از پیش‌نویس را فرستاد. خیلی به‌دردبخور نبود. پورتر و کوهن چیزی را تایپ کردند تا نشان دهند کاری را می‌کنند که رئیس جمهور خواسته است. ترامپ منتظر یک پاسخ سریع بود. آن‌ها نمی‌توانستند دست‌خالی

۱. Jared Corey Kushner، جرد کوری کوشنر، (متولد ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱)، تاجر، سرمایه‌گذار، ناشر آمریکایی، مشاور و داماد دونالد ترامپ. (مترجم)
2. Ivanka.

نزد او بروند. پیش‌نویس 'بخشی از ترفند آن‌ها بود.

در جلسه‌ای رسمی^۱ مخالفان خروج از پیمان کوروس استدلال‌های مختلفی ارائه کردند: ایالات متحده هرگز پیش‌ازین از هیچ پیمان تجاری خارج نشده است؛ مسائل حقوقی، مسائل ژئوپلیتیک، امنیت ملی حیاتی و مسائل اطاعتی وجود دارد؛ نامه آماده نبود. آن‌ها رئیس‌جمهور را با واقعیت‌ها و منطق خفه کردند.

ترامپ گفت: «خب، روی نامه بیشتر کار کنیم. می‌خوام پیش‌نویس بعدی را ببینم.»

سوپر پاورتر پیش‌نویس دیگری آماده نکردند. از این‌رو چیزی برای نشان دادن به رئیس‌جمهور وجود نداشت. فعلاً این مسئله در غباری از تصمیم‌گیری ریاست جمهوری باقی‌ماند. ترامپ مشغول کارهای دیگر شد.

اما مسئله که رسماً تمام‌شدنی نبود. کوهن با جیمز متیس^۱، وزیر دفاع و ژنرال بازنشسته نیرو، در ابهام صحبت کرد. متیس شاید متنفذترین فرد در میان اعضای کابینه و ستاد ترامپ بود. ژنرال متیس^۱ افسری کهنه‌کار بود که چهل سال در ارتش خدمت کرده بود. صبا رشتاد ساناتی مترقد داشت و خیلی شق‌ورق بود و همیشه حالتی خسته و وارفته از زندگی داشت.

کوهن به وزیر دفاع گفت: «ما روی این به نظر قرار داریم. حالا ممکنه نیاز به پشتیبانی داشته باشیم.»

متیس سعی کرد دیدارهایش را از کاخ سفید محدود کند و خود را حتی‌المقدور با مسائل نظامی سرگرم کند، اما وقتی اهمیت جدی‌تر را درک کرد، به دفتر بیضی^۲ آمد.

گفت: «آقای رئیس‌جمهور، کیم جونگ‌اون^۳ نزدیک‌ترین تهدید به امنیت ملی ماست. ما به کره جنوبی به‌عنوان یک هم‌پیمان نیاز داریم. شاید تجارت

1. James Mattis.

2. Oval Office، نام دفتر و محل کار رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است (واقع در بال غربی کاخ سفید). (مترجم)

3. Kim Jong Un.

ربطی به این موضوع نداشته باشد، اما خیلی ضروری است. سرمایه‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا در کره جنوبی ارکان توانایی ما برای دفاع از خودمان در برابر کره شمالی است. خواهش می‌کنم از این معاهده خارج نشوید.»

ترامپ پرسید: «چرا آمریکا سالی یک میلیارد دلار برای سیستم موشک بالستیک در کره جنوبی می‌پردازد؟»

او روبرو سیستم دفاع موشکی موسوم به سامانه ضد موشکی تاداکشا گفت: «بود و تهدید کرده بود که آن را از کره جنوبی بیرون بکشد و به پورتلند، اورگون منتقل کند.»

متیس گفت: «این کار را به خاطر کره جنوبی نمی‌کنیم. ما به کره جنوبی کمک می‌کنیم، چون ما که می‌کنند.»

رئیس جمهور ظاهر آن معاهده بود، اما فقط برای لحظه‌ای.

در سال ۲۰۱۶، ترامپ، وقتی نام ریاست جمهوری بود، تعریف خود را از یک رئیس جمهور به باب کورت وین ادا کرد: «وظیفه رئیس جمهور، بیش از هر چیز دیگر، امنیت کشور است... این از اهمیت اول، دوم و سوم برخوردار است... ارتش باید قوی باشد و اجازه ندهد اتفاق ناگواری از بیرون برای کشور ما بیفتد. و من یقیناً فکر می‌کنم این باید همیشه اولویت اول این تعریف باشد.»

واقعیت این بود که ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ به سخنان و اعمال یک رهبر غیرقابل پیش‌بینی، دمدمی مزاج و کاملاً احساساتی افسار شسته بود. اعضای ستادش دست به دست یکدیگر داده بودند تا عامدانه جلوی رفتن او از خطرناک‌ترین تصمیم‌های آنی او را بگیرند. این را به نوعی می‌توان فروپاشی روانی مدیریت اجرایی در قدرتمندترین کشور جهان قلمداد کرد. داستان از قرار زیر است.

1. Terminal High Altitude Area Defense.
2. Portland, Oregon.
3. Bob Costa.